

## نقش پیامبر در تغییر رفتار اجتماعی عرب با تاکید بر اخلاقیات

### چکیده

کبری رحیم زاده<sup>۱</sup>، رمضان لعلی ثانی<sup>۲</sup>، اعظم امینیان<sup>۳</sup>

اخلاق پیامبر هدف رسالت او شمرده شده است و خداوند او را به نیکی اخلاق ستوده و ایشان را اسوه برای همه بشریت معرفی نموده است. لذا بررسی اخلاق اجتماعی پیامبر در همه رفتارها در گستره همه‌ی زمان ها و مکان ها لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

ملاک برای تحلیل و تبیین رفتار پیامبر دگرگونی ها و تحولاتی است که پیامبر در صدد پدیدآوری آن ها بوده است. بنابراین دگرگونی که پیامبر در نظام عرب پدید آورد، از سوی دیگر برخوردی که پیامبر با عرب داشت، از باب نقطه آغاز حرکت و پدیدآوری زمینه برای دگرگونی های بنیادین در نظام جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد و به همین علت برای دستیابی به الگوی عصری از زندگی پیامبر، شخصیت و رفتار ایشان را مورد مطالعه قرار داده تا با بازسازی رفتارهای پیامبر، خود و دیگران بدان سو رهنمون شویم.

بنابراین اخلاق اسلامی پیامبر هر چه بیشتر در جامعه نفوذ پیدا کند همگان از سرچشمه زلال وحی و اسوه حسنه بشریت بهره‌های وافیه خواهند برد.

**واژگان کلیدی:** شخصیت پیامبر، اخلاقیات، رفتار اجتماعی

---

۱- مدرس حوزه علمیه خوی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد واحد خوی kobrarahimzade@yahoo.com

۲- مدرس پیام نور نقده

۳- کارشناسی ارشد تاریخ تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

## مقدمه

در اسلام، اخلاق انسانی جایگاه والایی دارد و پیشوایان دینی همواره مسلمانان را به سمت خصلت های پسندیده فراخوانده اند، تامل در متون و مجامع روایی به دست می دهد که هر شاخه ای از اخلاق متعالی، جایگاه جداگانه داشته و مخاطبان با مفهوم و گستره و نیز روش دستیابی به فضیلت های اخلاقی روبرو می شوند. بردباری و بخشش، فروتنی، ... از جمله آموزه هایی می باشند که بدان توصیه و بر آن تاکید شده است.

پیامبر اکرم (ص) در باره رابطه اخلاق با بعثت ابراهیمی خویش چنین فرموده است: «انما بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (قمی، سفینه البحار، ۴۱۱/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۸۲/۱۰).

بدین سان تکمیل اخلاق انسانی، به عنوان فلسفه بعثت رسول اکرم (ص) شناسانده شده است یعنی آن حضرت در صراط توحید بر انگیزته شده تا در کنار اقامه قسط و عدل، معنویت انسان ها را در پرتو تخلق به اخلاق الهی پدیدار سازد (مصطفوی، ۱۸).

در جای دیگر پیامبر، اخلاق نیکو را ستوده و آن را نصف دین خوانده است: «حَسَنُ الْخَلْقِ نِصْفُ الدِّينِ» (نیکویی اخلاق نصف دین است) (شیخ صدوق، ۳۰).

زندگی رسول اکرم (ص) سرشار از فضایل انسانی و صفات پسندیده و سیر و سلوکی پایدار بود که عظمت و بزرگی و اصالت و خلق و خوی پسندیده از آن نمودار بود خداوند او را نیکو تربیت فرمود و از گزند محیطی که در آن می زیست مصون نگاه داشت. پیامبر اکرم (ص) آراسته به کلیه سجایای نکوی اخلاقی بوده به همین دلیل خدای متعال او را در قرآن بدین صفت توصیف فرموده: «و انک لعلی خلق العظیم» از این رو محمد (ص) برجسته ترین نمونه کمال انسانی و بهترین الگوی شایسته برای مسلمانان است و خداوند به ما فرمان داده که از او پیروی نموده و برای دستیابی به رضوان الهی، به دستورات وی عمل نماییم (طباره، ۵۲۴).

ما در این نوشتار فشرده ای از صفات آن حضرت را بیان می داریم تا به آن آگاه شده و عمل کرده تا به رضوان الهی دست یابیم.

## اهمیت موضوع (بایستگی بررسی رفتار پیامبر)

برای دستیابی به الگوی عصری از زندگی پیامبر، بایسته است نخست به بررسی شخصیت آن بزرگ شخصیت تاریخ بپردازیم و رفتار ایشان را مورد مطالعه قرار دهیم و آن گاه بابازسازی رفتارهای پیامبر، خود و دیگران بدان سو رهنمون شویم.

پیامبر، به عنوان یک انسان با ویژگیها و خصلتهای انسانی، دارای ظهورها و بروزها و جلوه هایی است. او دوره خردسالی و جوانی و میان سالی را پشت سر گذاشته است و همچون دیگران به زندگی خود ادامه می دهد. این امور توسط پیامبر از آن جهت انجام می گیرد که او همانند دیگر انسان ها است.

ما در این تحقیق به برخی از دلایل اهمیت موضوع (بایستگی بررسی رفتار پیامبر) اشاره می کنیم:

### ۱- الگو پذیری انسان (نیاز انسان به الگو)

غریزه تقلید یکی از غرایز نیرومند و ریشه دار در انسان است. تقلید خود به خود انجام می گیرد و احتیاجی به تذکر ندارد الگوپذیری، تقلید و مدل برداری، از خصلت های انسان است (قرائتی، تفسیر نور، ۱۶۴/۴).

در حقیقت انسان برای شکل دادن شخصیت خود نمونه و سرمشق می طلبد، این نیاز و طلب در فطرت ریشه دارد. عامل فطری این امر از يك سو نقص انسان است و از سوی دیگر، عشق او به کمال، انعطاف پذیری، تقلید، همانند سازی و قهرمان جویی که به موجب آن فرد می کوشد خود را با چهره هایی که در نظرش از والایی و برتری برخوردارند، تطبیق دهد.

تأثیر شخصیت الگوها در شکل گیری رفتار و منش انسان و تشکیل و تثبیت شخصیت اخلاقی و اجتماعی او فوق العاده چشمگیر است. گرایش انسان به تقلید از دیگران و تشبه به آن ها، یکی از عوامل اساسی خودباختگی و جرأت انسان در ارتکاب فساد و تباهکاری یا انجام اعمال می باشد، آن گاه که انسان جرم و گناهی را مشاهده می کند و یا کار نیکی در برابر دیدگان او انجام گیرد، این مشاهده می تواند انگیزه ای برای تقلید و محاکات او باشد که جرأت و جسارت او را به ارتکاب گناه، تحریک نموده و یا گرایشی در او نسبت به کار نیک پدید آورد (شکوهی یکتا، ۱۳۶۸، ۶۳).

مشاهده خیر و شر، هر دو در تغییر طبایع، موثر است. برای اثر پذیری شخصیت انسان نه تنها مشاهده و دیدن، بلکه شنیدن نیز در طبیعت انسان اثر می گذارد، شاید به همین جهت رسول خدا(ص)

فرمود: «عند ذكر الصالحين تنزل الرحمه» (مجلسی، ۳۳۹/۹۰) (با یاد کردن از نیکان و افراد صالح، رحمت الهی بر انسان نازل می شود) رغبت و گرایش به خیر و نیکی با ذکر صالحان و یا نیکان، برانگیخته می شود و شوق به اقتدا و الگو برداری از اعمال آن ها در انسان، بیدار می گردد، در حقیقت خلق و خوی و رفتار نیک و بد انسان در برابر دید و احساس دیگران چون یک بیماری مسری، واگیر است، چون طبع انسان نقش پذیر است و آدمی می کوشد تا با دیگران هم رنگ گشته و از آن ها تقلید نماید (شکوهی یکتا، ۱۳۶۸، ۶۳).

بنابراین، تاثیر پذیری و قدرت تاثیر گذاری از ویژگی های طبیعی و ساختاری وجود انسان است و در آیات و روایات به آن تاکید شده است. انسان بخواهد یا نخواهد از عوامل پیدا و ناپیدای فراوانی تاثیر می پذیرد و بدین سبب باید زمینه ای ایجاد شود که این تاثیر پذیری به صورت سالم و مناسب و شایسته صورت گیرد.

## ۲- الگو گیری از شخصیت پیامبر (ص) (پیامبر الگوی همگانی)

الگوها در متون دینی جایگاهی بس رفیع دارند. قرآن کریم برای الگوگیری انسان ها، به صورت مستقیم و صریح، چهره ها و شخصیت هایی را به عنوان الگو مطرح می کند، به عنوان نمونه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) (قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست).

در این آیه، قرآن کریم مردم را دعوت به اقتدای رفتار رسول اکرم (ص) می کند و مردم را متوجه آن حضرت و تبعیت از رفتارش می سازد.

شخص پیامبر [در تمامی ابعاد] اسوه نیکو، یعنی الگو و نمونه است. نکاتی که در ساختار ادبی و آرایه های لفظی این آیه شریفه، دیده می شود نشانگر اهمیت، شخصیت رسول خدا (ص) و اهتمام و اصرار خداوند بر تبیین و برجسته کردن آن برای ترغیب مؤمنان به الگوپذیری از آن حضرت است.

۱. آیه شریفه در آغازین واژگان کاربردی خود از دو حرف "لام" و "قد" استفاده کرده است، که هر یک، در ادبیات عرب، قطعی و حتمی بودن را می رساند. پس آنگاه که در کنار هم قرار گیرند، بیانگر قطعیت دو چندان خواهد بود، یعنی اسوه و الگو بودن پیامبر، هرگز گمان و تردید، را بر نمی تابد. این تأکید، از مرز دو چندان بودن نیز می گذرد، اگر که لام را برای سوگند بدانیم.

۲. واژه "کان" در مفهوم و بطن خویش، معنای ثبوت، استمرار از زمان و مکان را دارد و به الگو بودن پیامبرانشان که مقتضای خاتمیت رسالت اوست - ثبات و گسترده گی فرا زمانی و فرا مکانی می بخشد که اختصاص به عصر و دوره ای از تاریخ حیات بشری و یا قلمرو ویژه جغرافیایی و فرهنگی ندارد.

۳. به کار بردن حرف "فی" که دلالت بر ظرف استقرار و جایگاه يك چیز دارد، در جمله‌ی: «لکم فی رسول الله اسوه حسنه» نشانگر آن است که وجود رسول خدا، بستر و ظرف الگویی برتر الهی [لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ] و سرشار از خصلت‌ها و فضایل نیک و محیط بر خوبی‌ها و آرایه‌های انسانی است و بدان گونه که ظرف، مظروف را در بر می‌گیرد، وجود قدسی پیامبر، فضایل و خوبی‌های را که يك انسان برای به زیستی، والایی و تکامل نیاز دارد، در بر گرفته و معدن، مخزن و جایگاه این همه است (ابن عاشور، ۲۱/۲۲۳).

۴. از میان واژگان که حامل معنای الگو بودن است. «اسوه» از واژگان ستایشی قرآنی و دارای بار مثبت معنایی است یعنی همزمان الگو بودن و نیز تأیید رفتار و کنش‌ها و خصلت‌های کسی را می‌رساند که اسوه معرفی شده است، به گونه‌ی که اگر کوچکترین دغدغه و نگرانی - چه رسد به یقین - نسبت به درستی و برابری رفتار و صفات خلقی، روانی و روحی آن کس، با ارزش‌ها و هنجارهای دینی و وحیانی وجود داشته باشد، او را اسوه نمی‌نامد. و این، به مفهوم بیمه و تضمین درستی تمام رفتارها و خلق و خوی نبوی از جانب حق تعالی است. و همین واقعیت شخصیتی و اخلاقی پیامبر است.

استفاده از روش الگویی در احادیث نیز مورد توجه است. چنانکه پیامبر خود را اسوه معرفی می‌کند و به یکی از یارانش که از او می‌خواست که از خداوند بخواهد برای او مالی بدهد، فرمودند: «ای ثعلبه! مالی اندک که بتوانی شکر آنرا به جای آوری، بهتر از مال بسیاری است که طاقت آن (و همت ادای حق آن) را نداشته باشی. آیا رسول خدا (که مالی ندارد) برای تو اسوه و نمونه‌ای نیکو نیست؟» (حکیمی، ۵/۷۱۳).

همچنین امام علی (ع) نیز پیامبر را اسوه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «پیامبر اکرم (ص) برای نمونه و الگو بودن برای تو (ای مسلمان) کافی است. و او رهنمون تو است به عیب و نکوهش دنیا و فراوانی بدی‌ها و رسوایی‌های آن» (طبرسی، ۵۳۱).

مراد از اقتداء پیروی از سیره و روش آنان آنچه از خلق کریم که هر يك از رسولان داشته همه در رسول صلی الله علیه و آله بطور اتم جمع است و این مقام عالی از اخلاق حسنه برای هیچیک از رسولان میسر نبوده است و همه رسولان و انبیاء مانند ستارگان انواری هستند که جهان را نورانیت و صفا بخشیده و با اینکه همه آنها از رسول گرامی صلی الله علیه و آله غایب بوده ولی همه آنان از صفاء و نورانیت رسول صادع اسلام استتاره نموده‌اند و رسولی در علم و کرامت وجودی و حسن خلق مانند او نبود. (حسینی همدانی، ۱۷/۱۱).

بنابراین پیامبر اکرم (ص) مورد نیاز دائمی همه انسان‌ها در همه رفتارها در گستره همه زمان‌ها و مکان‌هاست.

### ۳- پیامبر، عقل جامعه بشری

وجود مبارک پیامبر اکرم(ص) عقل منفصل جامعه بشری است، هم نسبت به امیین: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ...» (جمعه/۲)، (اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت) هم نسبت به مومنان: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (آل عمران/۱۶۴) (به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت)، بلکه نسبت به فرشتگان نیز چنین است زیرا آدم (ع) که به عنوان انسان کامل، معلم و مسجود فرشتگان قرار گرفت، خود مظهري از مظاهر حقیقت محمدیه است. بر این اساس انسان موظف است عقل منفصل خود، یعنی رسول اکرم(ص) را اکرام کرده، بیش از عقل متصل به او علاقه مند باشد و همان گونه که هنگام خطر، قوای تحریکی و ادراکی فدای عقل می شوند، باید همه انسان ها فدای پیامبر شوند. گر چه در میان انسان ها خردمند و فرزانه کم نیست ولی همه آنها نسبت به مقام انسان کامل(پیامبر) به منزله اعضا و جوارح هستند. پیامبر عقل جامعه بشری است و هیچ انسانی حق ندارد قوای مادون را اصل شمرده و از عقل دست بردارد. قرآن کریم درباره جان نثاری در راه حمایت و حراست از رسول اکرم(ص) می فرماید: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ...» (توبه/۱۲۰) (مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان را نرسد که از [فرمان] پیامبر خدا سر باز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند)؛ مبادا کسی به واسطه خویشتن دوستی از پیامبر اعراض کند، زیرا او جان جانان است و کسی حق ندارد جان خود را بالاتر از جان رسول خدا بداند و به هنگام خطر او را رها کرده و به فکر حفاظت خود باشد، بلکه باید همه نیروها صرف محافظت از آن حضرت شود، زیرا «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب/۶) (پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است) البته چنین نیست که اگر کسی فدای پیامبر شد، خود را فدای بیگانه کرده باشد بلکه خود نازل را فدای خود کامل کرده است، زیرا برای انسان چندین حقیقت است و هر مرحله نازلی فدای مرحله عالی و آن نیز فدای مرحله اعلا می شود. وجوب ایثار و نثار در راه حمایت و حراست از پیامبر گرامی، عمومی بوده و گستره آن، حوزه رسالت آن حضرت است و اختصاص به عرب و غیر عرب ندارد، مراد آیه، منحصر به شخصیت حقیقی پیامبر نیست، بلکه شخصیت حقوقی او را که همان دین و قرآن جاویدان است شامل شده، مسلمانان موظفند با جان خود از آن دفاع کنند، گرچه شخص پیامبر رحلت کرده باشد. بنابراین اگر انسان مراحل نازل وجودی خود را فدای پیامبر کرد، به لقای او می رسد و همان گونه که مقام

کامل انسان سالک، لقاء الله است، مقام کامل تابع و پیرو رسول اکرم(ص) نیز لقاء آن حضرت و مشاهده رسالت اوست که این شهود از مقامات عالیه انسانی است( جوادی آملی، ۱۱۸-۱۱۶).

#### ۴- پیامبر، روح جامعه بشری

پیامبر اکرم(ص) در عصر جاهلیت و دوران غفلت و گمراهی به عنوان عقل منفصل به انسان ها هدیه شد تا جوامع بشری را عالم و متذکر نموده، هدایت کند. پس همان گونه که خدای سبحان در مورد هر فردی می فرماید: «قَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون/۱۴) (آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است) انطباق آن درباره نظام انسانی و بشری، هنگامی است که پیامبر را آفریده باشد همان گونه که دمیدن روح در کالبد جسمانی انسان او را بدین کرامت می رساند، دمیدن حیات معنوی در جوامع جاهلی، با فرستادن پیامبران، انسان ها را از حضيض ضلالت به اوج کمال و سعادت خواهد رساند. بنابراین گر چه همه انسان ها نسبت به مخلوقات دیگر احسن المخلوقین هستند ولی میان آن ها انسانی به زیبایی رسول اکرم(ص) نیست، زیرا او مظهر جمال و جلال و اسم اعظم حق است( جوادی آملی، ۱۱۸).

بنابراین تجلیل از پیامبر به عنوان یک شعار اسلامی، همیشه- در زمان حیات آن حضرت و پس از آن- زنده است، زیرا مقام رسالت رسول گرامی(ص) همواره زنده است «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِّلْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَنُعَزِّرُوهُ وَنُوَقِّرُوهُ» (فتح/۸-۹) (ای پیامبر، [ما تو را [به سیمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم تا به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجمند نهید).

در این آیه سه دستور در باره " اطاعت" و " دفاع" و " تعظیم" مقام پیامبر(ص) است، می‌فرماید: "هدف این است که ایمان به خداوند و رسولش بیاورید، و از او در برابر دشمنان دفاع نمائید، او را بزرگ دارید (مکارم شیرازی، ۲۲ / ۴۲) مرجع «نُعَزِّرُوهُ وَنُوَقِّرُوهُ» پیامبر اکرم(ص) است که معنی آنها یاری کردن و بزرگداشت او است و آنچه به نظر می‌رسد این است که یاری خدا و تعظیم او با یاری کردن رسولش و مقام او را بالا دانستن صورت می‌گیرد، چه این هر دو در يك جهت است، و رسول چیزی جز وسیله‌ای به سوی خدا نیست، به همان گونه که قبله به خودی خود هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای عبادت است، و این معنی را آشکارا در بسیاری از آیات قرآنی مشاهده می‌کنیم، و از جمله آنها است: « وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران/ ۱۰۳) و ریسمان خدا («حبل الله») که باید به آن چنگ بیندازیم و متمسك شویم، رسول و امامان اند (علیهم السلام)، و از نظر اختصاص

داشتن عبادت به خدا می‌توانیم بگوییم که ضمیر در دو کلمه « تُعَزَّرُوهُ وَ تُوقِّرُوهُ » به رسول باز می‌گردد (مدرسی، ۱۳ / ۳۱۲).

آیه شریفه دلالت دارد بر تعظیم و توقیر حضرت رسالت صلی الله علیه و اله، زیرا جلالت شأن آن وجود مقدس به مرتبه‌ای است که فوق عالم امکان و علت غائی ماسوا و رهنمای کل بشر از وادی ضلالت به شاهراه سعادت و خاتم النبیین است، بنابراین حرمت نبی و توقیر و تعظیم آن حضرت لازم است نسبت به نام شریف او و حدیث او و سنت او و شنیدن اسم او و سیرت او و معامله با اهل بیت او، تمام داخل است در پاس احترام و توقیر و تعظیم آن سرور (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۲ / ۱۴).

#### ۴- راز موفقیت پیامبر(ص)(خلق عظیم)

خوش اخلاقی، عنصری کلیدی در دینداری و عاملی مهم در موفقیت انسان است. شاید مهم‌ترین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله اخلاق برتر اوست که در قرآن نیز بدان اشاره شده است: « وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ » (قلم/۴). (به راستی که تو دارای اخلاق عظیم هستی)

آیه خلق رسول گرامی صلی الله علیه و آله را بعظمت توصیف فرموده هم چنانکه عرش و قرآن کریم را بعظمت نامبرده و بیان اینکه حسن خلق رسول جامع مکارم اخلاق رسولان است و در او است (حسینی همدانی، ۱۱/۱۷).

پروردگار متعال در این سوره مبارکه برای اثبات جنبه‌های مختلف شخصیت رسول خود و از جمله شخصیت اخلاقی آن حضرت به مقدس‌ترین پدیدارها یعنی قلم - وسیله انتقال اندیشه و دانش و ابزار تکامل بخش فکر و تمدن بشری - و نیز به آن چه بر سطور و صفحه‌های نگاه دارنده‌های فرهنگ و تمدن انسانی ثبت می‌شود (و ما یسطرون) سوگند یاد کرده و از میان گزینه‌های بسیار، در جهت نمایاندن والای مرتبت و شخصیت اخلاقی آن گرامی، وصف "عظیم" را برارزنده و مناسب خلق و خوی وی دیده و او را به این وصف، ستایش کرده است. خداوند سبحان هیچ يك از پیامبران خود جز محمد(ص) را با این صفت [دارنده خلق عظیم] ستایش نکرده است.

همچنین قرآن در جای دیگر به تمجید نرم‌خویی رسول خدا صلی الله علیه و آله، تأکید می‌کند که اگر ایشان تندخو می‌بود، مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند « فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ » (آل عمران/۱۵۹) (پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند) خوش اخلاقی، در سیره



اجتماعی پیامبر اکرم، از جایگاه والایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه وآله، هدف رسالت خود را کامل کردن ویژگی‌های والای اخلاقی بیان می‌کند: «انما بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (قمی، سفینه البحار، ۱/۴۱۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۸۲) آن حضرت در برخی روایات نیز اخلاق نیک را نصف دین دانسته‌اند (مجلسی، ۶۸/۳۸۵).

اخلاق نیکو را می‌توان کلید کسب دیگر فضایل و کمالات دانست. هر کس از این موهبت الهی برخوردار باشد، به راحتی می‌تواند، پله‌های ترقی و پیشرفت مادی و معنوی را طی کند. شاید به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «بنده خدا با اخلاق نیک خود به بزرگ‌ترین درجات آخرت و منزل‌گاه‌ها و مراتب شریف می‌رسد...» (فیض کاشانی، ۵/۹۳؛ محمدی ری شهری، ۳/۱۳۹) اخلاق نیک با رسالت و شریعت ایشان در آمیخته که مؤمن‌ترین افراد را خوش‌اخلاق‌ترین آنها می‌داند: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (مجلسی، ۶۸/۳۸۹)

### اخلاقی عمومی عرب جاهلی

عوامل مختلف مانند جهل، تنگی معیشت و نداشتن نظام صحیح زندگی، و وحشی‌گری و درنده‌خویی و تنبلی و بی‌حالی و دیگر رذایل اخلاقی، محیط عربستان را به نحو بارزی تاریک نموده بود و کم‌کم امور شرم‌آوری را در میان آن قوم، معمول و قانونی ساخته بود.

در نظر اعراب جاهلی «اخلاق» نوع دیگری تفسیر می‌شد، مثلاً غیرت و شجاعت و مروت را می‌ستودند ولی مفهوم شجاعت در نظر آنان عبارت از سفاکی و فزونی عده مقتولین یا جنگ و غارت بیشتر بود و غیرت در نظر آن‌ها طوری تفسیر می‌شد که زنده به گور کردن دختران از مراتب عالی و نهایی غیرتمدنی به حساب می‌آمد و وفا و یگانگی را در این می‌دیدند که هم پیمان یا فرد قبیله خود را در هر حادثه، جانبداری کنند، خواه حق باشد یا باطل! (سبحانی، ۱۳)

تربیت شدگان عصر جاهلیت، یعنی قبایل مختلف عرب نه تمدنی به خود دیده بودند و نه تعلیمات و قوانین و آدابی داشتند، آنان از همه مزایای اجتماعی که موجب ترقی و تمدن است، محروم بودند، بنابراین هیچ‌گاه انتظار نمی‌رفت که چنین مردمی با آن سرعت به اوج مجد و عظمت نائل گردند و از زندگی کوچک قبیله‌ای به سوی جهان وسیع انسانیت رهبری شوند.

روی این اصل باید فکر کرد که این‌طور و تحول شگفت‌انگیز برای عرب جاهلی از کجا پدید آمد؟ جمعی که تا دیروز تمام قوای آن‌ها در راه اختلاف و نفاق به کار افتاده بود و از همه نظام‌های اجتماعی دور بودند، با این سرعت شگرف دارای اتحاد کلمه و وحدت و الفت شوند و دولت نیرومندی

تشکیل دهند که ملت های بزرگ جهان آن روز در مقابلشان خاضع شوند و مطیع و فرمانبردار اصول و آداب آنها گردند.

پیامبر اکرم (ص) زمانی که تفاخر، غرور، تکبر، حيله، نیرنگ و انواع فسادهای اخلاقی و تکثر طلبی فزونی گرفته بود، به بعثت رسید و تحولاتی اساسی و بسیار چشمگیر ایجاد کرد. پیامبر اکرم (ص) در شرایطی به بعثت رسید که انواع فسادهای اخلاقی فراگیر شده بود، آن حضرت با بهره گیری از اخلاق ویژه خود، مکارم اخلاقی را به گونه ای اعجاب انگیز گسترش داد و امروز نیز برای جهانیان نماد اخلاق است که آن را به کار گیرند. قرآن بارها به ویژگیهای حضرت محمد (ص) اشاره کرده و بر اصرار نبی اکرم بر هدایت مردم شهادت داده است.

عرب با قبول اسلام، از حکومت قبیله ای به حکومت جهانی قدم گذاشت. پیامبر اسلام توانست از قبایل پراکنده عرب امتی تشکیل بدهد. شک نیست که تالیف امتی واحد از قبایلی که در طول تاریخ به نزاع و تخاصم و حمله و هجوم بر یکدیگر عادت کرده بودند و خون همدیگر را می ریختند و در مدتی اندک کاری بس بزرگ و معجزه اجتماعی بی نظیری است. زیرا چنین تحول عظیم، اگر نتیجه سلسله تحولات و تطورات عادی بود، نیاز به تربیت طولانی و وسایلی بی شمار داشت (همان، ۱۷).

در حقیقت پیامبر آنان را به این موفقیت رساند که قرآن در این باره می گوید:

« كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا » (آل عمران/ ۱۰۳) (بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید.) معنی آیه این است که جمعیت عرب، قبل از اسلام، بر لبه پرتگاه آتش بودند، سپس به وسیله پیامبر نجات پیدا کردند.

منظور این است که به واسطه شرك و عداوت و رفتارهای زمان جاهلیت بر لب گودال جهنم بودید و نزدیک بود که در آن سقوط کنید و غیر از موت که بشما نزدیک شده بود چیزی بین شما و جهنم فاصله نبود و خدا شما را از آن نجات داد. حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید: خدا شما را بوسیله حضرت محمد صلی الله علیه و آله از آتش جهنم نجات داده است (نجفی خمینی، ۳۹۱/۲).

با مطالعه اخلاق جاهلیت می توان دریافت که پیامبر (ص) صفات بد را رفع و در مقابل صفات خوب را جایگزین و بنیانگذاری کرد، حضرت محمد (ص) مکارم اخلاقی را به گونه ای اعجاب انگیز گسترش داد.

**ویژگی های اخلاقی اجتماعی نبوی:**

پیامبر اکرم(ص) دارای جمیع اخلاق حمیده و مکارم اخلاق بود که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

## ۱- پیوند برادری

گروه انصار مرکب از دو قبیله اوس و خزرج بودند که با یکدیگر عداوت دیرینه داشتند ولی همین دو قبیله بودند که پیامبر خدا را به مدینه دعوت کرده اند نه تنها میان انصار عداوت و اختلاف وجود داشت بلکه نوعی اختلاف فکری میان انصار و مهاجران حکومت می کرد که هر کدام برای خود آداب و رسوم جداگانه داشتند و گروهی خود را برتر از گروه دیگری قلمداد می کرد. رسول اکرم(ص) برای این که به این مناقشات خاتمه دهد و بر وحدت آن ها تحکیم بخشد، از طرف خدا مامور گشت که آن ها را دو تا دو تا برادر یکدیگر قرار دهد و فرمود: « دو تا دو تا در راه خدا برادر یکدیگر شوید» (سیره ابن هشام، ۱/ ۵۰۰). پیامبر از این طریق بر وحدت سیاسی و معنوی مسلمانان تاکید بخشید و عداوت های دیرینه را به دوستی مبدل ساخت و همه را در قالب واحدی ریخت. کار اخوت به پایان رسید علی (ع) با چشم های اشک بار رو به رسول اکرم(ص) کرد و گفت: میان همه عقد اخوت برقرار نمودی، اما برای من برادری معین نکردی، در این هنگام پیامبر فرمود: تو برادر من در دنیا و آخرت هستی و اگر کار برادری تو را به عقب انداختم می خواستم خود را برادر تو قرار دهم. تو نسبت به من مانند موسی به هارون هستی جز این که پس از من پیامبری نیست، تو برادرو وارث من می باشی(بحرانی، البرهان ، ۲/ ۳۴۸)

## ۲- شرح صدر

تاریخ اسلام بیانگر آن است که اعراب جاهلی زشت ترین نوع برخورد ها و تهمت ها را در حق رسول خدا(ص) مرتکب می شدند و شخصیت آسمانی و ملکوتی آن حضرت آماج تیرهای تهمت و دشنام کوردلان واقع می شد ، اما پاسخ آن حضرت پیوسته همراه با کرامت نفس و برخاسته از مجد و بزرگی منشی ویژه ی او بود ، که قرآن کریم در این زمینه می فرماید :

« أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ » (انشراح/۱) (آیا برای تو سینهات را نگشاده ایم؟)

یعنی یا محمد (ص) آیا ما سینه تو را به وسیله مقام نبوت و علم باز نکردیم و قلب تو را توسعه و خوشنودی ندادیم تا اینکه برای اداء رسالت قیام کردی، و در مقابل مشکلات صبر نمودی، و اذیت و آزارها را تحمل کردی، و بر پای ایمان استوار ماندی، و به وسیله ایمان از غم و اندوه نجات یافتی ( نجفی خمینی،

۳۱۳/۱۸)

طبیعی است که آن همه سختی و بردباری در برابر آن همه نامردمی، جز با شرح صدر فراوان ممکن نبود، در واقع به سبب همین شرح صدر بود که پیامبر آن همه سختی و نامردمی را با گشاده رویی تحمل می کرد و در مقابل شبه مشرکان و ملحدان پاسخی آرام و منطقی ارائه می کرد و همین امر سبب گردید که ایشان در راه مبارزه در راه حق و هدایت خلق از میدان به در نشده راز پیروزی و موفقیت پیامبر خدا(ص) در امر تبلیغ دین همان پاسخ آرام و شرح صدر ایشان می باشد.

### ۳- رافت و مهربانی

اگر در میان ویژگی هایی که انسان از آن ها بهره مند است و صفاتی که بدان آراسته می باشد مقایسه نماییم از حیث وارستگی و فضیلت، صفتی را برتر از صفت مهربانی نمی یابیم. مهربانی در اسلام صفتی نیک و برجسته است و یکی از صفات خدایی است که مسلمانان در عبادت و پرستش، رو به سوی او می آورند چه اینکه او «رحمان و رحیم» است و « وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ » (اعراف/۱۵۶) (و رحمت همه چیز را فرا گرفته است)

خدای سبحان پیامبر اکرم(ص) را خاص این صفت گرداند و در خطاب به مومنین فرمود:

« لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ » (توبه/۱۲۸) قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است)

رافت و مهربانی پیامبر خدا(ص) در دفع ضرر و زیان از مسلمانان و جلب منافع آن ها تجسم یافته بود این آیه از قرآن پیامبر(ص) را مورد مدح و ستایش قرار داده، هم چنان که به اخلاق نیکو و پسندیده و قلب مهربانی که با گرفتاری و زیان و ضرر امتش نگران می شد اشاره کرده است و نیز فرستاده اش را این چنین توصیف فرموده است:

« فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ » (آل عمران/۱۵۹) (پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند)

خدای سبحان او را توصیف نمود چون با مردم به مهربانی سخن می گفت و این ملائمت و مهربانی و عطایایی سرچشمه گرفته بود که خداوند به وی عنایت کرده بود، و اگر او فردی درشت خوی و سنگدل و نامهربان بود، مردم از او متنفر گشته و از اطرافش پراکنده می شدند سراسر زندگی رسول

اکرم(ص) رفت و مهربانی بود، چه در رفتارش با مردم و چه در رهنمودهایی که به امت خود سفارش می فرمود(طباره، ۵۲۸).

مهربانی با مؤمنان و دوستان: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹) (محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] باهمدیگر مهربانند)

« عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ » (توبه/ ۱۲۸) (بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است) به رنج افتادنتان بر او گران و دشوار است؛ به شما دلیسته است و به مؤمنان دلسوز و مهربان.

#### ۴- بخشش و بردباری

پیامبر اکرم(ص) در سرشت خود آراسته به بردباری و عفو و گذشت بود، با اینکه قدرت بر انتقام داشت، و بدین تربیت دستور الهی را امتثال کرد که فرمود: « خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ » (الاعراف/ ۱۹۹) (گذشت پیشه کن، و به [کار] پسندیده فرمان ده، و از نادانان رُخ برتاب)

در تفسیر این آیه شریفه گفته شده با کسی که قطع رابطه با تو نموده ارتباط برقرار کنی و به کسی که تو را از اعطا محروم ساخته است، بخشش نمایی و کسی را که به تو ستم روا داشته، عفو کنی؛ زیرا اگر با کسی که قطع رابطه با تو نموده، ارتباط برقرار سازی، در حقیقت او را بخشوده ای و اگر به کسی که تو را از اعطا محرم ساخته بخشش نمایی، کار نیکی را انجام داده ای و آن گاه که کسی را که به تو ستم روا داشته مورد عفو و گذشت قرار دهی، در واقع از افراد جاهل و نادان رویگردان شده ای(طباره، ۵۳۰).

در قرآن کریم درباره تشویق به عفو و بخشش آمده است: « وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ » (فصلت/ ۳۴) (و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد)

پیامبر علاوه بر اینکه بر اساس آموزه های اسلام و قرآن کریم، مردم را به گذشت و عفو دعوت می کرد، خود در اوج گذشت بود، به گونه ای که کسی از ایشان طلب عفو نمی کرد، مگر اینکه پیامبر او را می بخشید. در روایتی از انس بن مالک نقل شده است: شخصی از بادیه نشینان عرب بر پیامبر وارد شد، ردای آن حضرت را گرفته بود و به شدت می کشید. وقتی به پوست گردن آن حضرت نگاه

کردم، اثر کشیده شدن عبا بر گردن مبارک آن حضرت را دیدم. در آن حال، آن اعرابی از پیامبر می خواست که از اموالش به او کمک کند. آن حضرت نیز به او توجه می کرد و در حالی که می خندید، دستور داد به او عطایی داده شود (مجلسی، ۲۳۰/۱۶).

ابوالقاسم کوفی می گوید: هیچ گاه رسول اکرم (ص) انتقام خویش را از کسی نگرفت و از کسانی که اذیتش می کردند، گذشت می نمود و عفو می فرمود (طباطبائی، سنن النبی، ۹۱) در برابر بدی دیگران، بدی نمی کرد بلکه گناه آن ها را نادیده می گرفت و از آن ها گذشت می نمود (همان، ۱۱۷).

## ۵- خیر خواهی

خداوند در مورد صفت خیر خواهی پیامبر می فرماید: « لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ » (توبه/ ۱۲۸) (قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است) این آیه خطاب به تمام بشر است نه فقط مسلمین. خداوند در این آیه می فرماید: برای شما پیامبری از جنس خودتان آمده است که گرفتاریهای شما بر او سخت و ناگوار است. حریص است که شما را به خیر برساند و به مومنین، رؤف و مهربان است. خداوند پیامبر را به این صفات ستوده است که تمام مشقات و مصایب دنیایی و آخرتی که بر بشر وارد آید، بر پیامبر ناگوار است، بنابراین برای نجات بشر و هدایت ایشان حریص بود او نه تنها بر نجات و آسایش مسلمین حریص بود، بلکه بر نجات بشر نیز اهتمام فروان داشت؛ حتی از کفر و گرفتاری های کفار و مشرکین تا حد مرگ ناراحت بود (صفایی حائری، ۶۷۸).

همچنین می فرماید: « فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا » (کهف/ ۶) (شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیری [کار] شان تباہ کنی)

در این آیه شریفه دقیق شوید تا به اندازه خیر خواهی پیامبر اکرم (ص) واقف شده و بدانید که تا چه اندازه در هدایت بشر اصرار داشت و از مشقات و ناگواری های وارده بر بشر متأثر می گشت.

راستی که توصیف عواطف پیامبر اکرم (ص) برای بشر و اصرار او در نجات و رغبت آن سرور بر هدایت ایشان حیرت انگیز است درباره کسی که خداوند می فرماید:

« وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ » (انبیاء/ ۱۰۷) (و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم)

برای نمونه در حدیث است که «جوانی از یهود بسیار نزد پیامبر می آمد و چه بسا پیامبر او را دنبال حاجتی روانه می نمود و یا گاهی برای پیامبر نامه می نوشت، تا اینکه چند روز گذشت که دیگر از او خبری نشد پیامبر از حال او جويا شد. یکی گفت: اکنون در حال احتزار و در شرف مرگ است پیامبر با جمعی از اصحاب بر بالین او حاضر شد. جوان چشم هایش را بر هم گذاشته بود پیامبر او را خواند، جوان یهودی چشم گشود و گفت: لیبیک یا ابوالقاسم، فرمود بگو: «اشهد ان لا اله الا الله و انی رسول الله» جوان برگشت و به پدر خود نگاه کرد و چیزی نگفت، دفعه سوم چون به پدر نگاه کرد، پدر به او گفت: اختیار با تو است. اگر خواهی شهادت بده. جوان شهادتین بر زبا آورد و مرد. پیامبر به پدر او فرمود: تو بیرون رو. آنگاه به اصحاب فرمود: او را غسل دهید و کفن کنید و نزد من بیاورید تا بر او نماز بخوانم. پیامبر بیرون آمد و خدا را شکر نمود که بنده ای را به وسیله او از آتش جهنم نجات داد (شیخ صدوق، ۴۸۱).

بنابراین پیامبر این جوان یهودی را مورد توجه خویش قرار داد و باب رفت آمد را با او باز نمود و وقتی او را چند روز ندید از حال او جويا شد و چون شنید مریض شده است به بالین او رفتو به این طریق او را به اسلام دعوت نمودو در این کار جدیت نمود تا موفق شد.

## ۶- فروتنی

اندک اتفاق می افتد فرمانروایان صاحب قدرتی که زمام امور مردم را به دست دارند، دارای تواضع و فروتنی باشند، به ویژه در زمان های گذشته که تکبر و فخر فروشی از صفات بارز حکام و فرمانروایان کشورها به شمار می آمد، ولی حضرت محمد(ص) با آن اداب و رسوم رایج به مخالفت برخاست و تواضع و فروتنی یکی از برجسته ترین صفات آن حضرت محسوب می شد و یکی از اهداف رسالت آن بزرگوار، ریشه کن نمودن تکبر و خودپسندی بود که در جهان گسترش یافته بود. پیامبر(ص) در زندگی خویش منتهای تواضع و فروتنی را از خود نشان داد در باب رفتار رسول اکرم(ص) آمده است که آن حضرت در آخر مجلس می نشست و در مورد هر یک از افرادی که با او نشسته بودند به گونه ای یکسان برخورد می کرد که شخص تصور نکند دیگری که در مجلس نشسته از او بیشتر مورد احترام پیامبر است (طبار، ۵۲۶).

در روایتی از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است: رسول خدا غالباً رو به قبله می نشست، بر روی زمین می نشست و غذا می خورد و می فرمود: من بنده ای بیش نیستم. همان گونه که یک بنده غذا می خورد، غذا می خورم و مانند بندگان می نشینم (مجلسی، ۱۶/ ۲۲۹).

آیات متعددی در قرآن عظیم موجودند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را موظف میکنند: در مقابل مؤمنین خفض جناح و تواضع و فروتنی نماید. از جمله آیه زیر خداوند می فرماید:

« وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ » (الشعرا/ ۲۱۵) (در برابر هر يك از مؤمنان که از تو پیروی می‌کند بال فروتنی فرود آر)

آیه خطاب بر رسول گرامی است هر که بدعوت تو ایمان آورد و از برنامه مکتب قرآن پیروی نماید او را مشمول لطف و مهر خود قرار بده و گرد خود آور در این جهت فرق نیست میان اقرباء و غیر آن ها (حسینی همدانی، ۹۴ / ۱۲).

## ۷- راست گویی

آنچه که اصالتاً مطلوب و هماهنگ با نیاز فطری و مصالح زندگی اجتماعی انسان است، صداقت و راستی و کاشف بودن کلام از واقعیت است (مصباح یزدی، ۳۳۴/۳).

در واقع راست‌گویی از فضایل بسیار مهم اخلاقی است که در صورت همگانی شدن، اعتماد افراد به یکدیگر مستحکم شده، جامعه انسانی به امنیت خواهد رسید. خدای سبحان در قرآن کریم، مؤمنان را پس از سفارش به تقوای الهی، به وارد شدن در زمره راست‌گویان فرا می‌خواند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/ ۱۱۹) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستان باشید) رسول خدا صلی الله علیه و آله راست‌گویی را زینت گفتار می‌داند (قال النبی صلی الله علیه و آله: زينة الحديث الصدق (مجلسی، ۹/۶۸) و از نزدیک‌ترین افراد را به خود در روز قیامت، راست‌گوترین آنها معرفی می‌کند.

رسول اکرم (ص) در طی زندگی خود از شخصیت ممتازی برخوردار بود. او کوچکترین نقطه ضعف اخلاقی در این دوره طولانی از زندگی، از خود بر جای نگذاشته و هرگز به کارهای ناپسند و زشت روی نکرده بود و مهمترین ویژگی اش راست‌گویی اش بود. شخصیت استوار او که مردمان در جاهلیت بدان دلیل لقب «امین و درستکار» را به وی داده بودند، پشتوانه اخلاقی دعوت توحیدی اش بود. رسول اکرم (ص) برای اثبات رسالت الهی اش به صداقت خود استدلال می کرد؛ چرا که مردمان بر اساس همین صداقت با یکدیگر زندگی کرده و اطمینان به گفتارهای همدیگر دارند (جعفریان، ۲۸).

پیامبر اکرم (ص) شخصیتی بود که فوق‌العاده راستگو و درستکار بود. اضافه بر راست‌گویی پیامبر خدا هم بود. و چون لازمه راستگو بودن پیامبر بودن نیست پیامبر هم نمی‌بود راستگو می‌بود.



## ۸- امانت داری

امانت‌داری پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله زیانزد عام و خاص بوده و هست؛ حتی پیش از بعثت نیز آن حضرت در میان مردم مکه، با لقب «امین» مشهور بود؛ بدترین دشمنان ایشان نیز وی را فردی امین می‌شمردند و در امانت‌داری او تردیدی نداشتند. هر کس حتی اگر نخ و سوزنی نزد آن حضرت به امانت می‌گذاشت، ایشان آن را به وی باز می‌گرداند (کلینی، ۶۳۶/۲).

ایشان بر امانت‌داری تأکید می‌کرد و کسانی را که از این ویژگی بی‌بهره بودند، اساساً بی‌ایمان می‌دانست «قال النبی صلی الله علیه وآله: لا ایمان لمن لا امانة له» (مجلسی، ۱۹۸/۶۹). از نظر ایشان یکی از مهم‌ترین ملاک‌های سنجش و ارزیابی انسان‌ها امانت‌داری آنهاست؛ قال النبی صلی الله علیه وآله: «لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم وصومهم، و كثرة الحج والمعروف، و طنطنتهم باللیل، ولكن انظروا إلى صدق الحديث وأداء الأمانة» (به کثرت نماز، روزه، حج و... آنها منگرید، بلکه به راست‌گویی و امانت‌داری آنها بنگرید) (مجلسی، ۱۱۴/۷۲).

## ۹- برخورد با دشمنان (یهود)

اسلام بر اساس عدالت و صلح و دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز بنا نهاده شده است (عزیزی، ۶۸۳) و مسلمانان به نص صریح قرآن، به تمام انبیاء گذشته و کتاب‌هایی که بر آنها نازل شده است، ایمان دارند و همه آنها را به عنوان بندگان صالح و برگزیده پروردگار مورد احترام و تجلیل قرار داده؛ تفرقه میان آنها قایل نیست. حقوق پیروان سایر مذاهب تا آن اندازه مورد توجه اسلام بوده است که هنگام تشریح جهاد برای اولین مرتبه، قرآن کریم حکمت آنان را چنین بیان می‌کند: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيُنصَرْنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/۴۰) (و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساهای و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد).

با توجه به تقدّم معابد مذاهب دیگر بر مسجد، که معبد مسلمانان است، در این آیه شریفه حمایت اسلام از اقلیت‌های مذهبی تا درجه‌ای فوق‌العاده انسانی و خالی از هرگونه تعصب روشن می‌گردد (حیدری نراقی، ۶۰۳).

مدارا و صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی در اسلام تا آن اندازه است که حتی مشرکین را (که به هیچ یک از ادیان آسمانی اعتقاد ندارند) اگر درصدد تحقق اصول و میانی اسلام باشند، مورد حمایت قرار می‌دهد (همان، ۶۰۲).

مدارا و مسالمت با مردم از شیوه‌های اخلاقی است که پیامبر -صلی الله علیه وآله- حتی با مخالفان خود بکار برده و می‌فرمود: «همان گونه که به ابلاغ رسالت مأمور شدم به مدارا کردن با مردم موظف گردیدم» (رهبر، ۱۰۹) و نمونه آن قبول پیشنهاد صلح از سوی مخالفین و طوایف یهود در سال اول هجرت بود که با استقبال پیامبر مواجه گشت (عزیزی، ۶۸۳).

در بعضی روایات آمده که گروهی از اهل کتاب به رسول اکرم (ص) گفتند: اگر شما پیامبرید و علی بن ابیطالب پسر عموی شما که در کنار شما نشسته جانشین شماست، دعا کنید که خدا این جوان را که سالهاست به بیماری برص مبتلاست، درمان کند. رسول خدا و امیر المومنین (ع) با اینکه از انکار و تعصب آن‌ها با خبر بودند، دعا کردند و خداوند آن جوان را شفا داد. جوان بعد از آن که شفا یافت، اسلام آورد و سالیان متمادی در کمال سلامت به سر برد، ولی پدر او گفت: این حادثه اتفاقی بود که دعای شما با شفای او هم زمان شد ولی اگر دعا نمی‌کردید نیز، او شفا می‌یافت. پس دعای شما جزو مقارنات اتفاقیه شفای الهی است و هیچ ارتباطی بین دعای شما و شفای این جوان نیست. رسول خدا (ص) بعد از اقامه دلیل و اتمام حجت، شنید آن مرد متعصب می‌گوید: اگر شما حق می‌گویید و دعایتان مستجاب است از خدا بخواهید مرا برص مبتلا کند انسان خشن و قسی، در حال تعصب و غضب، علیه خود هم دعا می‌کند: «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء/ ۱۱) (و انسان [همان گونه که] خیر را فرا می‌خواند، [پیشامد] بد را می‌خواند و انسان همواره شتابزده است) رسول خدا (ص) فرمود: اگر دعا کردم و خداوند اجابت کرد، باز هم می‌گویید آن حادثه اتفاقی بود. مرد یهودی گفت: نه، اگر جزو مقارنات اتفاقیه باشد، امر بر دیگران مشتبه می‌شود و این عمل باعث گمراهی است و خداوند جلوی این گونه از مقارنات اتفاقیه را می‌گیرد. رسول

اکرم(ص) بر اساس جدال احسن به او فرمود: این سخن درست است ولی همین را باید درباره درمان پسر ت نیز معتقد باشی( مجلسی، ۳۲۱/۹).

## ۱۰- صبر و شکیبایی

رحمت و مدارای پیامبر اعظم به گونه ای فراگیر بود که حتی با کسانی که سال ها با او دشمنی کرده بودند و در مقابل همه آن فشارها و سختی ها پیامبر رحمت از صبر و شکیبایی برخوردار گشته بود حتی در مقابل مشرکان هم از در رحمت و گذشت وارد شد و در روز فتح مکه اعلان فرمود: و الیوم یومُ المرحمه ، امروز روز رحمت و مهربانی است (تاریخ طبری ، ۵۶/۳ ) و این امکان پذیر نبود جز در سایه ی صبر و شکیبایی که خداوند متعال به حضرت رسول (ص) عنایت کرده بود .

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

« لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَأُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ » (آل عمران / ۱۸۶) (قطعاً در مالها و جانهایتان آزموه خواهید شد، و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] از کسانی که به شرك گرايیده‌اند، [سخنان دل] آزار بسیاری خواهید شنید، و [لی] اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، این [ایستادگی] حاکی از عزم استوار [شما] در کارهاست)

هدف اصلی بعثت تمام انبیاء الهی و خصوصاً حضرت خاتم هدایت و تزکیه ی نفس عامه ی مردم است به صراط الهی و باز داشتن از ضلالت و گمراهی، پیامبر الهی بر اساس محورهای به این امر مهم توجه داشتند. که در این جا محورهای دعوت حضرت رسول(ص) را مورد بررسی قرار می دهیم.

## ویژگی های اخلاقی پیامبر(ص) در امر تبلیغ

### ۱- انطباق گفتار و عمل

پیامبر گرامی اسلام به ویژه در برابر مشرکان عنود، هیچ گاه از اظهار عقیده ی خویش باز نماند و حتی در دوران دعوت پنهانی در برابر پرسش های گفته و یا نا گفته ی قریش و دیگران عقاید خویش را به صراحت اعلام کرد در حدیث است: مردم را به سوی خیر و نیکی بخوانید، ولی به وسیله ی غیر زبان، یعنی عمل و پیشقدم شدن برای هدایت و راهنمایی بشر ( مطهری ، تبلیغ و مبلغ ، ۲۵۵ )

رفتار و گفتار رسول خدا(ص) کاملاً با یکدیگر منطبق و هماهنگ بود، یعنی عمل و سخن آن حضرت همدیگر را تأیید می کردند. صاحب عقیده ای که بر حق باشد دلیلی برای کتمان و سرپوش نهادن بر اعتقاد خویش ندارد. او حقیقت محض را بدون پیرایه و به دور از ترس و خوف آشکار می سازد (عباسی، ۱۹۲).

پیامبری که سخنش صدق و آئینش بر پایه ی حق و شریعتش بر مبنای فطرت و پشتوانه اش وحی الهی است از چه چیزی در اعلام عقیده اش واهمه داشته باشد؟ کسی که سخن خدا را بر مردم اعلام می کند از آن جایی که سخن خدا نور است و روشی حق را از باطل جدا می کند (قرائتی، قرآن و تبلیغ، ۵۹)، مبلغ بالینی آئین خود را وفق بدهد تا سخنش مردم فهم بشود.

## ۲- دعوت به اجرای عدالت

عدالت خواهی و دادگری یکی از ضروریات زندگی اجتماعی بشر بوده و هست بلکه نام هستی بر محور آن می گردد، و پیامبر گرامی اسلام در زمینه ی عدالت می فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» آسمان ها و زمین بر اساس عدل استوارند ( نهج الفصاحه، ۴۷۳) جامعه ی انسانی که گوشه ای کوچک از این عالم پهناور است، نیز نمی تواند، از این قانون جهان شمول کنار باشد و بدون عدالت به حیات سالم خود ادامه دهد، لذا پیامبر الهی با برنامه ی آسمانی برای ایجاد عدالت اجتماعی در امورات مربوط به جامعه ی بشری اقدام نموده است.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام / ۱۵۲) ( و چون [به داوری یا شهادت] سخن گوئید دادگری کنید، هر چند [در باره] خویشاوند [شما] باشد)

## ۳- ارتباط صمیمی با همگان

ارتباط حضرت رسول(ص) با مردم، اعم از مؤمن و کافر از موضع شفقت و مهرورزی و دوستی خالصانه ی ایشان بود، او مشرکان را هم چون بیمارانی تلقی می کرد که نیازمند پرستاری دلسوز برای معالجه و مداوایند. در نظر ایشان مؤمنان هم چون دیگر گروه های نیازمند و محتاج مراقبت حکیمانه به منظور رشد ایمان و سلوگشان به سوی خدا می باشند.

بدین جهت پیامبر در جهت ایجاد ارتباط صمیمی و طرح دوستی با هر دو گروه بودند نمونه ی بارز چنین برخوردی را می توان در داستان عداس غلام شیبیه و عتبه دریافت وقتی پیامبر(ص) به عداس فرمود: " تو از چه سرزمینی هستی و دین تو چیست؟ گفت نصرانی ام و اهل نینوا، پیامبر(ص)

فرمود: از شهر مرد صالح، یونس بن متی، عداس گفت: چطور یونس بن متی را می شناسی؟ فرمود: او برادر من است و من و او هر دو پیامبریم (ابن هشام، ۴۲۱/۱).

هم چنین در این باره روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: رسول خدا(ص) نگاه های خود را به تساوی میان اطرافیان تقسیم می کرد، او هیچ گاه پای خود را پیش یارانش دراز نکرد و چون مردی از اصحاب با او مصاحفه می نمود، پیامبر(ص) قبل از او دستش را عقب نمی کشید، و چون به این موضوع پی بردند، هنگام مصاحفه دستش را کمی مایل می کرد، پس آن مرد دستش را کنار می کشید (طباطبائی، سنن النبی، ۴۷).

## نتیجه گیری

با بررسی نقش پیامبر در تغییر رفتار اجتماعی عرب با تاکید بر اخلاقیات به این نتیجه می رسیم که:

- ۱- اهمیت موضوع (بایستگی رفتار پیامبر): الگو پذیری انسان (نیاز انسان به الگو)، الگو گیری از شخصیت پیامبر(ص)(پیامبر الگوی همگانی)، پیامبر، عقل جامعه بشری، پیامبر، روح جامعه بشری، راز موفقیت پیامبر(ص)(خلق عظیم).
- ۲- پیامبر اکرم(ص) مورد نیاز دائمی همه انسان ها در همه رفتارها در گستره همه زمان ها و مکان هاست.
- ۳- در اهمیت اخلاق پیامبر همین بس که هدف رسالت شمرده شده و خداوند او را به نیکی اخلاق ستوده و اسوه برای همه بشریت معرفی نموده است.
- ۴- جمعیت عرب، قبل از اسلام، به واسطه شرك و عداوت و رفتارهای زمان جاهلیت در گمراهی و فساد اخلاقی بودند که به وسیله پیامبر نجات پیدا کردند.
- ۵- ویژگی های اخلاقی اجتماعی پیامبر اکرم(ص): پیوند برادری، شرح صدر، رافت و مهربانی، بخشش و بردباری، خیر خواهی، فروتنی، راست گویی، امانت داری، برخورد با دشمنان(یهود)، صبر و شکیبایی.
- ۶- ویژگی های اخلاقی پیامبر(ص) در امر تبلیغ: انطباق گفتار و عمل، دعوت به اجرای عدالت، ارتباط صمیمی با همگان.

## منابع

- ۱- قرآن کریم، فولادوند، محمد مهدی؛ دارالقرآن کریم؛ تهران؛ چاپ اول؛ ۱۴۱۵ ق.
- ۲- نهج الفصاحه، ترجمه پاینده، ابوالقاسم؛ دنیای دانش؛ تهران؛ چاپ چهارم؛ ۱۳۸۲ ش.

- ۳- ابن عاشور، محمدبن طاهر؛ التحرير والتنوير.
- ۴- ابن هشام، عبدالملک؛ السيره النبويه؛ ترجمه سيدهاشم رسولى محلاتى؛ انتشارات اسلامى؛ ۱۳۸۸ ق
- ۵- بحرانى، سيد هاشم؛ البرهان فى تفسير القرآن؛ بنياد بعثت؛ تهران؛ ۱۴۱۶ ش.
- ۶- جعفریان، رسول؛ سیری در سیره نبوی؛ انتشارات دلیل ما؛ قم؛ چاپ؛ اول؛ ۱۳۸۵ .
- ۷- جوادى آملی، عبدالله؛ سیره رسول اکرم(ص) در قرآن؛ مرکز نشر اسراء؛ قم؛ چاپ هفتم؛ ۱۳۸۷.
- ۸- حسینی شاه عبد العظیمی، حسین بن احمد؛ تفسیر اثنا عشر؛ انتشارات میقات؛ تهران؛ چاپ اول؛ ۱۳۶۳ ش.
- ۹- حسینی همدانی، سید محمد حسین؛ انوار درخشان؛ کتابفروشی لطفی؛ تهران؛ چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۰- حکیمی، اخوان؛ الحیاء؛ ترجمه احمد آرام؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامى؛ تهران؛ مکرر؛ ۱۳۸۰ .
- ۱۱- حیدری نراقی، علی محمد؛ شرح رساله حقوقی امام سجاد (ع)، انتشارات مهدی نراقی؛ قم؛ چاپ سوم؛ ۱۳۸۵ ش.
- ۱۲- سبحانی، جعفر؛ تاریخ اسلام (زندگانی پیامبر خاتم(ص))؛ قم؛ موسسه انتشاراتی امام عصر(عج)؛ چاپ دهم؛ ۱۳۸۶ .
- ۱۳- شکوهی یکتا، محسن؛ تعلیم و تربیت اسلامى(مبانی و روشها)؛ چاپخانه سپهر؛ تهران؛ ۱۳۶۸ .
- ۱۴- شیخ صدوق، الخصال؛ ترجمه و شرح آیت الله کمره‌ای؛ کتابچی؛ تهران؛ چاپ چهارم؛ ۱۳۷۶ ق.
- ۱۵- صفایی حائری، شیخ عباس؛ تاریخ پیامبر اسلام(ص)؛ انتشارات مسجد مقدس جمکران؛ قم؛ چاپ چهارم؛ ۱۳۸۸ .
- ۱۶- طباره، عفیف عبد الفتاح؛ همراه با پیامبران در قرآن؛ مترجمان حسین خاکساران و عباس جلالی؛ موسسه بوستان کتاب؛ قم؛ چاپ سوم؛ ۱۳۸۶ .
- ۱۷- طباطبائی، سید محمد؛ سنن النبى (ص)؛ ترجمه محمد هادی فقهی؛ تهران؛ انتشارات اسلامیه؛ ۱۳۶۲ .
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فى تفسير القرآن؛ با تحقیق محمد جواد اعرافی؛ انتشارات ناصر خسرو؛ تهران؛ ۱۳۷۲ ش.

- ۱۹- طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ طبری؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده؛ تهران؛ انتشارات اساطیر؛ چاپ پنجم؛ ۱۳۷۵ .
- ۲۰- عباسی مقدم، مصطفی؛ نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت؛ تهران؛ چاپ و نشر سازمان تبلیغات؛ ۱۳۷۱
- ۲۱- عزیزی، یوسف؛ داستان پیامبران یا قصه‌های قرآن از آدم تا خاتم؛ انتشارات هاد؛ تهران؛ چاپ اول؛ ۱۳۸۰ش.
- ۲۲- فیض کاشانی، ملاحسن؛ محجه البیضاء؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ موسسه الأعلمی للمطبوعات؛ بیروت؛ ۱۴۰۳ق.
- ۲۳- قرائتی، محسن؛ قرآن و تبلیغ؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ تهران؛ ۱۳۷۷.
- ۲۴- قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ تهران؛ چاپ یازدهم؛ ۱۳۸۳.
- ۲۵- قمی، عباس؛ سفینه البحار؛ دارالاسوة للطباعة و النشر؛ ۱۴۱۴ق.
- ۲۶- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ اسلامیة؛ تهران؛ چاپ دوم؛ ۱۳۶۲ش.
- ۲۷- مجلسی، بحار الانوار؛ الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار؛ اسلامیة؛ تهران؛ مکرر؛ مختلف.
- ۲۸- محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ موسسه فرهنگی دارالحدیث؛ قم؛ ۱۳۶۳.
- ۲۹- مدرسی؛ محمد تقی؛ تفسیر هدایت؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی؛ مشهد؛ چاپ اول؛ ۱۳۷۷ش.
- ۳۰- مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن؛ انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)؛ قم؛ چاپ اول؛ ۱۳۷۸.
- ۳۱- مصطفوی، زهرا؛ مبانی نظری اخلاق و تربیت اسلامی؛ اطلاعات؛ تهران؛ چاپ اول؛ ۱۳۸۵.
- ۳۲- مطهری، مرتضی؛ تبلیغ و مبلغ؛ به کوشش عبدالرحیم موگهی؛ قم؛ انتشارات حوزه علمی قم؛ ۱۳۷۷.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ دارالکتب الاسلامیه؛ تهران؛ چاپ اول؛ ۱۳۷۴ش.
- ۳۴- نجفی خمینی، محمد جواد؛ تفسیر آسان؛ انتشارات اسلامیة؛ تهران؛ چاپ اول؛ ۱۳۹۸ش.

## **The role of prophet in Arab's social behavior change with emphasis on morality**

Kobra Rahimzadeh<sup>۱</sup>, Ramazan La'li Sani<sup>۲</sup>, A'zam Aminian<sup>۳</sup>

Prophet's behavior has been accounted his prophecy object. Allah has praised him for his good behavior, and has introduced him as a pattern person for all human being. So it is needful to study his social behavior in all aspects of morality, during all his lifetime and in all places and situation.

The most important criterion for analyzing and explaining prophet's behavior is the changes and evolutions that he has figured on appearing them. So the change that prophet developed in Arab system, and affect that he had with Arab, is being lionized, because it was the beginning of movement and also was the ground for root and base changes in society system.

So we should study his life, in order to remake his behaviors and then guide ourselves and other people thitherward.

---

<sup>۱</sup>-Khoy Seminary Lecturer & Member of Young Researchers' Club of Islamic Azad university of Khoy branch  
Iran, [kobrasahimzade@yahoo.com](mailto:kobrasahimzade@yahoo.com), ۰۹۱۴۹۶۳۰۶۰۰

<sup>۲</sup>- Nagadeh Payame Noor University Lecturer

<sup>۳</sup>- Master of history of Nation and Civilization



So, the more Islamic behavior of prophet transpire in the society, all people can widely make use of clear derivation of inspiration and complete model of humanity[ the prophet of Islam].

**Key words:** prophet's personality, morality, social behavior.